

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Humam Rights

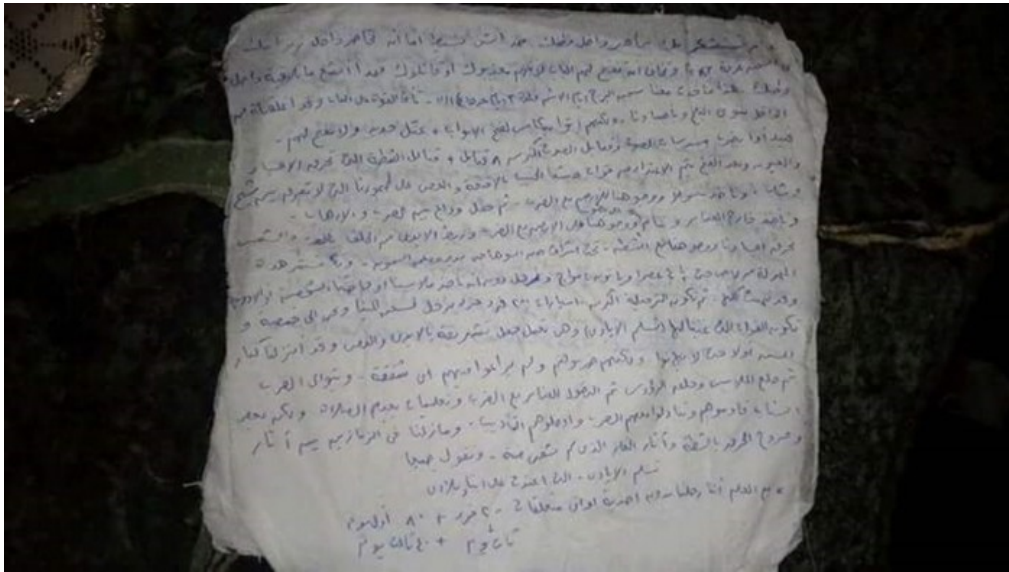
حقوق بشر

برگردان از: حمید بهشتی

۰۸ دسمبر ۲۰۱۶

فشار وحشیانه: نامه ای از زندان جمصه در مصر

از ماه اکتوبر گذشته زندانیان سیاسی زندان برج العرب در اسکندریه علیه شرایط زندان، به ویژه با اعتصاب غذا اعتراض می کنند. در اواسط ماه نومبر فشاری که بر این حرکت اعتراضی وارد می شود روند حزن انگیزی یافته است. ۲۴۸ تن از زندانیان را به دو زندان دیگر انتقال داده اند. جمصه در دامینا واقع در ساحل دریای مدیترانه و منیا در شمال مصر. یکی از زندانیان موفق گشته است نامه زیر را به خانواده خویش ارسال نموده و چگونگی «عملیات انتقالی» را شرح دهد – تلاکسکالا



(تصویر نامه از زندان)

این امری است کاملاً عادی که انسان خود را در موطن خویش تحت محاصره احساس نماید. اما بدترین وضعیت زمانی است که انسان در یک سلول ۹ متری محاصره باشد و بترسد از این که در را باز کند، زیرا آنها آمده اند تا شما را شکنجه کنند یا بکشند و درست همین امر در زندان برج العرب در روز دوشنبه ۱۴ نومبر و سه روز متوالی پس از آن واقع گشت. نیروهای امنیتی جلو دری که ما با بدن هایمان مسدود کرده بودیم ایستاده بودند. اما آنها دیلم و میله ای آهنین

همراه داشتند تا بدان وسیله در را بگشایند. ما مقاومت کردیم. اما آنها تفنگ و نارنجک های گوشخراش (بیش از ۸ عدد) با خود داشتند و نارنجک های فلفلی به کار بردند. پوست و چشمان ما سوخت.

پس از آن که آنان در را شکستند، سربازان نقاب زده - ارتش محبوب ما - با باتوم بر پشتمان کوبیده ، مجبورمان کردند بر زمین دراز کشیم. میان جوان و پیر نیز تفاوتی قائل نگشتند. سپس آنان ما را دَمَر خوابانده، بر روی زمین کشیدند و مدام بر بدنهایمان لگد زدند. سپس نوبت «مراسم خداحافظی» رسید، همراه با ضربات و تهدیدات بیشتر. آنان ما را از سلول هایمان بیرون کشیده و در حالی که دستانمان را از پشت بسته بودند، ما را دَمَر خواباندند و همچنان کتک زدند. اشعه آفتاب بدن هایمان را که بر اثر فلفل داغ شده بود، سوزاند.

تمامی این عملیات زیر نظارت حسن السوهاجی ، رئیس زندان، انجام شد. این «کمدی» از ساعت ۷ صبح تا ۴ بعد از ظهر طول کشید. سپس گروه بزرگی آمده، ما را از آنجا برد. به ما اجازه نیز ندادند لباس ها، اشیای شخصی و داروهایمان را با خود برداریم. کاروان انتقالی متشکل از ۱۰ کامیون بود با ۲۰۰ نفر زندانی. بخشی را به المَنیَا بردند و بخش دیگر را به جَمَصَه. نظامیانی را که ما در گذشته با آوازهای خود سروده بودیم از ما با سیلی و ضربات باتوم استقبال کردند. پس از آن که ما از کامیون ها پیاده شدیم، گذاشتیم تا مسن تر ها جلو حرکت کنند تا احترامشان را حفظ کرده باشیم. اما از کتک زدن آنها نیز خودداری نکرده بی رحمانه آنان را زدند.

پس از کتکی که به ما زدند لختمان کرده ، سرهایمان را تراشیده ، به سلول هایمان انداختند. نماز خواندن نیز ممنوع بود. اما جوانان مقاومت کردند و با آنها درگیر شدند. آنها را به زندان های انفرادی بردند.

ما در این سلول ها با غذای اندک در حال تضعیف بوده مرتب زیر شکنجه و فشار قرار داریم و از سوختگی فلفل و گاز رنج می بریم. ما به یکدیگر می گوئیم: «به دستانی که به هموطنانمان حمله کرده اند احترام بگذار». این را نیز نباید فراموش کنم که ما را با پاهای لخت و بدون اشیاء شخصی انتقالمان دادند.





(۲ تصویر خانواده های زندانیان)

خانواده های زندانیان می کوشند سرنوشت آنان را دنبال کنند.

برگرفته از تلاکسکالا - ۲۲ نومبر ۲۰۱۶

<http://www.tlaxcala-int.org/article.asp?reference=19401>